

Traditional Collaborations in Ilam Agriculture, The Study of Jafarabad Village

Vahid Rashidvash *

Assistant Professor of Anthropology, Central
Tehran Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran.

Hassan Yousefinezhad

PhD Candidate of Anthropology, Central
Tehran Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran.

Abstract

The methods of cooperation have long been common in the rural communities of Iran, and despite the changes that have occurred in rural communities over the years, there are still various forms of cooperation among many Lor, Kurd, and Turkmen ethnic groups., Gilak, Baloch, etc. The purpose of this research is to analyze the traditional ways of cooperation in the agricultural culture of the people of Jafar Abad village, Sivan district of Ilam city, using the theory of functionalism and the theory of exchange. The method of collecting information in this research was a combination of direct observation, document study and mostly interviews. In the interview method, the researcher conducted a purposeful and snowball method by selecting 21 people who had sufficient information on the topic in question. The obtained results show that before planting the crops and in order to observe justice in the common people's enjoyment of the possibility of God-given village, by drawing lots (Tirpeshk), dividing the land (Zahmin Bahsh) in the planting stage of the crop is done by group plowing method (pair herd), in the starting stage by the method of escaping harmful animals for the field (Veraz Rav) and in the harvesting stage by methods such as group reaping, group threshing, cleaning the crop to a group form is used, and due to the excessive benefits of these collaborations, most of these methods are still stable.


Keywords: Cooperation methods, Culture, Agriculture, Jafarabad Village.

* Corresponding Author: rashidvash@yahoo.com


How to Cite: Rashidvash, V; Yousefinezhad, H. (2022). Traditional collaborations in Ilam agriculture - The study of Jafarabad village, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 8 (16), 247-295.

همیاری‌های سنتی در کشاورزی ایلام مورد مطالعه روستای جعفرآباد

استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه
آزاد اسلامی، تهران، ایران.

وحید رشیدوش * 

دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حسن یوسفی نژاد 

چکیده

شیوه‌های همیاری و تعاون از دیرباز در جوامع روستایی ایران متداول بوده و به‌رغم تحولاتی که در طی سالیان دراز در جوامع روستایی به وقوع پیوسته، هنوز هم صورت‌های گوناگون تعاون و همیاری، در بین بسیاری از اقوام لر، کرد، ترکمن، گیلک و بلوچ و... به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی شیوه‌های همیاری سنتی در فرهنگ کشاورزی مردم روستای جعفرآباد بخش سیوان از توابع شهرستان ایلام با استفاده از نظریه کارکردگرایی و نظریه مبادله صورت گرفته است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به‌صورت ترکیبی از روش‌های مشاهده مستقیم، مطالعه اسناد و عمدتاً مصاحبه، بوده است. در روش مصاحبه، محققان به‌صورت هدفمند و به روش گلوله برفی و با انتخاب ۲۱ نفر که در زمینه موضوع موردنظر دارای اطلاعات کافی بوده‌اند صورت گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که پیش از کاشت محصولات زراعی و به جهت رعایت عدالت در برخورداری عامه مردم از امکانات خدادادی روستا، از شیوه قرعه‌کشی (تیرپشک)، تقسیم زمین (زه‌مین به‌ش) در مرحله کاشت محصول از روش شخم گروهی (گله‌جفت)، در مرحله داشت از روش فرار دادن حیوانات آسیب‌رسان برای مزرعه (وراز راو) و در مرحله برداشت از روش‌هایی همچون درو گروهی، خرمن‌کوبی گروهی، پاک کردن محصول به‌صورت گروهی استفاده می‌شود و به دلیل منافع بیش‌ازحد این همیاری‌ها هنوز هم اکثر این روش‌ها پایدار مانده است.

کلید واژه‌ها: شیوه‌های همیاری، فرهنگ، کشاورزی، روستای جعفرآباد.

مقدمه و بیان مسئله

بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی بر این عقیده‌اند که انسان حیوانی است اجتماعی. انسان به دلیل فطرت اجتماعی خود و همچنین نیاز و ضرورت‌های زندگی خود، از همان ابتدا در قالب گروه‌ها و جوامع به دور هم جمع شده و برای بقا و دوام زندگی خویش با مساعدت و همکاری با یکدیگر بر مشکلات خود غلبه کرده‌اند. در ادیان مختلف به کرار به تعاون و همیاری و اهمیت کار جمعی تأکید شده است. در آیه ۲ سوره مائده آمده است که: «و تعاونوا علی آلبر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العداون و اتقوا الله ان الله شدید العقاب». در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است».

ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۱۶ ه.ق) که القابی چون «پدر علم جامعه‌شناسی» یا «پدر علم تاریخ» به او نسبت داده شده است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۵۱). در کتاب معروف خود «مقدمه» در یک نگارش کلی، تفاوت شیوه‌های زندگی ملت‌ها را به عوامل معیشتی نسبت می‌دهد: "باید دانست که تفاوت رسوم و شئون زندگی ملت‌ها، در نتیجه اخلاقی است که در شیوه معاش خود پیش می‌گیرند، چه، اجتماع ایشان تنها برای تعاون و همکاری در راه به دست آوردن وسایل معاش است" (رجبی و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۱). ابن خلدون انسان را با ویژگی‌هایی چون اندیشه، حکومت، کار - به مفهوم اقتصادی - عمران، از دیگر جانوران متمایز می‌کند: دیگر از تمایزات انسان، عمران یا اجتماع است؛ یعنی با سکونت گزیدن و فرود آمدن در شهر یا جایگاه چادرنشینان و دهکده‌ها برای انس گرفتن به جماعات و گروه‌ها و برآوردن نیازمندی‌های یکدیگر؛ زیرا در طبایع انسان، حس تعاون و همکاری برای کسب معاش سرشته است (همان، ۵۲).

در بسیاری از جوامع سنتی و روستایی ایران نوع معیشت یا کشاورزی است یا دامداری و یا تلفیقی است از این دو. لذا با توجه به طاقت‌فرسا بودن کار کشاورزی و دامداری، ایجاب می‌نماید که افراد با تعامل و همیاری با یکدیگر بر مشکلات و مشقت‌های

زندگی فائق آیند و ادامه حیات بدهند. به‌رغم دگرگونی‌های عمده‌ای از قبیل؛ اصلاحات اراضی دهه چهل، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی و به‌ویژه ساختار ایلی حاکم، و از این قبیل که طی چند دهه اخیر در منطقه ایلام به وقوع پیوسته است، هنوز هم کشاورزی و دامداری نقش عمده‌ای در بین آنان داشته است. استان ایلام از گذشته‌های طولانی سابقه کشاورزی و دامداری داشته‌اند که خود نیازمند تعاون و همیاری در بین اعضای ایل می‌باشد. لذا با توجه به نفوذ روزافزون تکنولوژی در زمینه‌های کشاورزی و دامداری و ...، بسیاری از آداب و سنت‌ها از جمله همین شیوه‌های همیاری در حال کم‌رنگ شدن و ضعیف شدن هستند. لذا محقق بر آن شد تا با ثبت و ضبط این آداب و رسوم (تعاون و همیاری در کشاورزی)، تا حدودی از فراموشی این سنت‌های دیرینه جلوگیری کرده و در جهت زنده نگه‌داشتن این سنت‌ها، قدمی هرچند کوتاه، بردارد.

روش پژوهش

هر محققى به هنگام انجام تحقیق سعی می‌کند به تناسب شرایط و موقعیت‌های میدان تحقیق، از تکنیک‌ها و ابزارهای گوناگونی استفاده نماید. بررسی مردم شناختی همیاری‌های سنتی در فرهنگ کشاورزی با استفاده از روش‌های کمی امکان‌پذیر نیست. چراکه این تحقیق نیازمند حضور پژوهشگران در میدان می‌باشد تا به‌کارگیری روش‌های کیفی بتواند بدون قصد و غرض به یافته‌هایی دست یابد. مشاهده مشارکت آمیز و مصاحبه با اطلاع دهندگان اصلی، معمولاً محور اصلی تحقیق انسان‌شناختی را تشکیل می‌دهند (نبوی، ۱۳۸۲: ۵۶).

در این تحقیق نیز محققان سعی کرده‌اند که در میدان به‌طور مستقیم حضور داشته باشند. تحقیق حاضر، به شیوه قوم‌نگاری به بررسی مناسبات و سازوکارهای جمعی و گروهی موجود در روستای جعفرآباد بخش سیوان پرداخته است. در این روش عمدتاً از شیوه مصاحبه عمیق استفاده شده است. منطق انتخاب مصاحبه‌شوندگان به این صورت بود

که ابتدا به سراغ افراد مطلع که در این خصوص تحقیقات و تألیفاتی داشتند رفته و سپس با ساکنین روستا مصاحبه انجام شده است. این افراد به شیوه گلوله برفی انتخاب گردیده‌اند. البته سعی بر این بوده است که از بیشتر اهالی روستاها مصاحبه صورت گیرد، ولی به دلیل بی‌اطلاع بودن و همچنین عدم پاسخگویی و همکاری برخی از اهالی روستا، تعداد افراد مصاحبه شده ۲۱ نفر بوده است. سپس متن‌ها بر اساس موضوعات دسته‌بندی، نکات و موضوعات مرتبط استخراج و مقوله‌بندی شده است. در نهایت مطالب کلیدی و مفاهیم به دست آمده بر اساس چارچوب نظری مورد تجزیه و تحلیل مردم‌شناسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

- انصاری (۱۳۹۸) در کتاب مبانی تعاون به بررسی و مطالعه تعاون و همکاری‌های سنتی و رسمی پرداخته و اشاره کرده که تحقق همکاری مستلزم وجود شرایطی می‌باشد این در حالی است که همکاری‌ها از گذشته‌های دور تا به امروز ثابت و یک شکل نمانده است.

- کریمی درمنی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان زمینه‌ها و شیوه‌های یاریگری در ایران به بررسی تعاون و شیوه‌ها یاریگری پرداخته و اشاره کرده است که تعاون و همکاری ریشه در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد. در جوامع اولیه دوام و ادامه حیات بدون کمک و یاری متقابل مشکل بوده و غلبه بر دشواری‌ها امکان‌پذیر نبوده است. اصولاً تعاون و همکاری امر تازه‌ای نیست و زاییده عصر و زمان خاصی نمی‌باشد، منتها در هر دوره‌ای به نحوی خاص و منطبق با مقتضیات آن دوره آشکار گردیده است. در جوامع سنتی گذشته و کنونی نیز تعاون و یاریگری به شکل غیررسمی اما ساختاریافته و نهادینه‌شده در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی آشکارا دیده شده و می‌شود، به طوری که یاریگری از ویژگی‌های بارز این جوامع محسوب شده و به مثابه ارزش اجتماعی همواره مورد تأیید قرار گرفته است.

- هاشمی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان تعاون؛ همیاری سنتی در فرهنگ مردم انجام داده. این پژوهش با گردآوری اطلاعات مربوط به فرهنگ یاریگری و تعاون در کشورمان که

همواره مهد انواع فعالیت‌های مشترک و جمعی بوده است، همسویی کوشش‌های دو یا چند نفره محلی و روستایی برای دستیابی به هدف یا اهداف معین با نیت و منظوری مشترک را نشان داد.

- فرهادی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان گونه‌شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران به مطالعه پژوهش‌سنخ‌شناسی و طبقه‌بندی انواع یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی پرداخته است. بر اساس کنش یاریگری همکاری به سه نوع درون سویه، برون سویه و میان سویه تقسیم می‌شود. دگریاری نمونه بارز همکاری درون سویه است. خودیاری مصداق کامل درون سویه می‌باشد و همیاری نمونه بارزی از همکاری میان سویه است.

- بهروان (۱۳۸۷) در پژوهش زمینه‌ها و شیوه‌های همیاری در اسلام به بحث تعاون می‌پردازد. تعاون از دیرباز جزء لاینفک زندگی اجتماعی انسان بوده است و فلاسفه و علمای دینی دربار آن به بحث پرداخته‌اند. لیکن دانشمندان در قرون اخیر تعاون را از دیدگاه علمی موردتحقیق قرار داده و آن را نوعی سازمان اقتصادی - اجتماعی که دارای اهداف عینی در زندگی اجتماعی می‌باشد، معرفی کرده‌اند. به این ترتیب، اصطلاح تعاونی‌های علمی برای این گونه سازمان‌ها به کاررفته و از آنها در کشورهای مختلف جهان برای رفع مشکلات گوناگون اقتصادی - اجتماعی استفاده شده است. با وجود این، در مباحث نظری تعاونی‌های علمی از موضوع اخلاق نیز سخن به میان آمده و به‌ویژه در طراحی اصول تعاونی‌ها و نیز در چگونگی عملکرد و موفقیت آنها مسائل اخلاقی مطرح شده است. بدین ترتیب، محتوای هر عمل تعاونی با اخلاق همراه است و تأثیر اخلاق در اعمال تعاونی امری غیرقابل انکار می‌باشد.

- لطفی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان شیوه‌های همیاری در غرب ایران با تکیه بر روش میدانی، تلاش کرده شیوه‌ها و مصداق‌های همیاری میان ساکنان غرب کشور را بررسی و معرفی نماید. کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول به همیاری‌ها و تعاونی‌های سنتی عشایر اختصاص دارد که اقتصاد آنها متکی بر دامداری است و در آن از این همیاری‌ها صحبت شده است و در بخش دوم شیوه‌ها و انواع همیاری‌ها و تعاونی‌های

سنتی نزد روستائیان و یکجانشینان به‌ویژه در استان ایلام می‌پردازد که اقتصاد آنها بر کشاورزی استوار است.

- مسیبی (۱۳۷۶) در پژوهشی با عنوان مقدمه‌ای بر شیوه‌های کشاورزی سنتی مردم شهرستان گلپایگان، بیان کرده که این شهرستان یکی از دشت‌های حاصلخیز فلات مرکزی ایران می‌باشد که از قدیم‌الایام مرکز تمدن و کشاورزی بوده است، به همین سبب واژه‌های مورد استعمال و اعتقادات و باورهای مردم این دیار در رابطه با کشاورزی و بالأخص کشت گندم بسیار ریشه‌دار و نیاز به غور و تفحص است. این باورها نشأت گرفته از ایمان قلبی مردم به قدرت لایزال الهی و نشان‌دهنده اهمیت حیاتی زراعت گندم است. در این نوشته اصطلاحات، آئین‌ها و باورهای مردم گلپایگان که پاره‌ای از آنها ریشه در تاریخ دارد و به اسطوره‌ها می‌پیوندد و قسمتی نیز نشانه‌ای از فرهنگ اصیل همیاری و یاریگری است، در رابطه با مراحل مختلف کشت و برداشت گندم به شیوه سنتی گردآوری شده است، و سعی بر این بوده است اصطلاحات رایج در این زمینه در حد توان با نواحی هم‌جوار مقایسه گردد.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه، چهارچوبی را برای محقق فراهم می‌سازد تا بتواند به راهنمای آن پرسش‌های ویژه‌ای را مطرح سازد و به او کمک می‌کند فرضیه‌های خاصی را صورت‌بندی کند (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۸۳). در این پژوهش از دو رویکرد کارکردگرایی و مکتب‌مبادله در تبیین داده‌های تحقیق استفاده شده است. نام مکتب کارکردگرایی (فونکسیونالیسم)^۱ در انسان‌شناسی با نام برانیسلاو مالینوفسکی^۲ (۱۸۸۴-۱۹۴۲) که اصول آن را تدوین کرد عجین شده است (وی به طرز کنایه آمیزی خود را پاپ فونکسیونالیسم می‌نامد). سه مفهوم

1. Functionalism
2. Branislav Malinowski

به پیدایش کارکردگرایی یاری رساندند: نخست مفهوم سودمندی^۱ یا این پرسش که چه چیز به چه مصرف می‌آید؟ دوم مفهوم علیت^۲ یا این پرسش که به چه دلایلی به چه نتایجی می‌رسیم؟ و سوم مفهوم نظام^۳ یا این پرسش که چگونه وابستگی متقابل میان عناصر در یک مجموعه منسجم و متوازن عمل می‌کند (ریویر، ۱۳۷۹: ۷۵).

در تمامی تمدن‌ها، هرگونه آداب و رسوم، هر شی و باوری، نوعی کارکرد و وظیفه حیاتی دارد که جزء و ضروری دستگاه است. نظریه کارکردگرایی تماماً بر مفهوم نیاز استوار است. ارضای این نیازها فرد را در برابر محیط تنها نمی‌گذارد (هانری، ۱۳۸۶: ۱۳۱). مالینوفسکی در تعریف کارکرد^۴ می‌گوید: عبارت است از برآورده شدن یک نیاز به وسیله یک عمل ... مطالعه مجموعه فرهنگی یا حوزه فرهنگی را مالینوفسکی فقط در چارچوب دبستان بکارآیی (کارکردگرایی) توصیه می‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۸۱: ۹۰). مالینوفسکی مفهوم کارکرد را در چارچوب گروه‌های نهادی گسترده و مستقل، پیش از هر چیز به‌عنوان تدبیری برانگیزنده ابتکار و اکتشاف پیشنهاد می‌کند (مالینوفسکی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

فونکسیونالیسم در زبان فارسی به دبستان کارکرد، وظیفه‌گرایی ترجمه شده است. بکارآیی (فونکسیونالیسم) عبارت از این است که پژوهشگر هر عمل و هر نهاد را با توجه به رابطه یا روابطی که با تمامی کالبد اجتماع دارد، در نظر بگیرد و در مجموعه کالبد اجتماع کارآیی هر عنصر و هر جزء روشن شود (روح‌الامینی، ۱۳۸۱: ۹۰). آلفرد رادکلیف براون، مانند مالینوفسکی، بر این عقیده بودند که ابعاد گوناگون هر جامعه را باید برحسب نهادها و کارکردهایشان مورد تحلیل قرار داد. به نظر او کارکرد اصلی نهادها برآوردن نیازهای فردی نیست. بلکه حفظ و نگهداری ساختار و الگوهای روابط اجتماعی جامعه و نهادهاست. به دلیل تأکیدی که رادکلیف براون بر ساختار اجتماعی دارد افکار او را از اندیشه‌های مالینوفسکی جدا کرده‌اند و نظریه‌اش را «کارکردگرایی ساختاری» نامیده‌اند

-
1. utilite
 2. Causalite
 3. Systeme
 4. Fonctione

(فرخ‌نیا، ۱۳۸۳:۱۵۷). بازان‌دیشی مالینوفسکی درباره موادی که در جزایر تروبریانند گردآوری کرده بود، او را به این نتیجه‌گیری رساند که عناصر گوناگون هر جامعه کارکردی برای خود دارند؛ زیرا نیازهای فرهنگی مردم آن جامعه را برآورده می‌سازند.

مالینوفسکی در این نظریه که کارکردگرایی نامیده می‌شود، سه نوع نیاز بنیادین را برای انسان تشخیص داد که عبارت‌اند: از نیازهای زیست‌شناختی مانند نیاز به خوراک و فعالیت جنسی؛ نیازهای وسیله‌ای مانند نیاز به آموزش و پرورش و قوانین و نیازهای یکپارچگی مانند نیاز به یک جهان‌بینی مشترک برای تسهیل ارتباطات (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۵:۷۰).

نظریه مبادله یکی از جدیدترین نظریات فردگرایانه متکی بر روان‌شناسی رفتاری است که در عین حال در مباحث علمی قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ریشه دارد. به اعتقاد هومنز انسان همواره می‌کوشد تا رفتارهایی را که به پاداش منتهی می‌شود در کنش‌های متقابل جستجو کند. واحد اصلی تجزیه و تحلیل که در روش مبادله به کار می‌رود، روابط متقابل و رویاروی افراد است و صورت‌های وسیع‌تر اجتماعی و فرهنگی از قبیل نهادها، ساخت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها از همین روابط ساده استنتاج می‌شوند (وریج کاظمی، ۱۳۸۰:۴۸).

جیمز فریزر^۱ به جنبه‌های سوداگری مبادله توجه دارد، مالینوفسکی به جنبه‌های روانی مبادله توجه دارد و مارسل موس^۲ به فرایند ساختی مبادله که انسجام گروهی را به وجود می‌آورد تأکید دارد و به همین خاطر بررسی‌ها و تحقیقات موس موجب بنیان‌گذاری نظریه مبادله ساخت‌گرایی شده است (فرید، ۱۳۸۰:۲۰۳). داد و دهش تام نه فقط التزام جبران عطایای دریافت شده را به همراه دارد، بلکه دو التزام دیگر را هم که به همین اندازه اهمیت دارند متضمن است. التزام به دادن هدایا و التزام به گرفتن (پذیرفتن) آن‌ها (همان: ۲۰۶).

به نظر لوی اشتروس^۳، در جریان مبادله، عنصری که موضوع مبادله قرار می‌گیرد مهم نیست بلکه آنچه اهمیت دارد خود مبادله است. به نظر وی مبادله نمی‌تواند از نظر

1. James Fraser
2. Marcel Mouse
3. Louie Strauss

انگیزه‌های فرد درک گردد زیرا مناسبات مبادله‌ای بازتاب الگوهای سازمان اجتماعی است که به صورت مستقل و جدا از نیازهای فردی وجود دارد، بدین گونه پویای مبادله تنها از لحاظ «نتایج» یا کارکردهایی که برای ارزش‌ها و هنجارها دارند، می‌تواند تحلیل شوند (همان: ۲۱۸، به نقل از ادیبی و انصاری: ۲۳۴).

اصول اساسی اشتروس در مورد مبادله:

- مبادله متضمن هزینه‌هایی است که به جامعه نسبت داده می‌شود نه افراد.
- توزیع کلیه منابع در جامعه مثل نهادها برحسب هنجارها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

- کلیه مناسبات مبادله‌ای به وسیله هنجارهای متقابل نظم می‌یابند (همان: ۲۱۸). علاوه بر بخشش، بایستی «معاوضه» را نیز شکل قدیمی از توزیع اقتصادی دانست. زیرا به جواب و جبران فوری منجر می‌شود و پیوستگی و تشکل و روحیه جمعی را در بین گروه‌های مختلف خویشاوند و همسایه و آشنا تضمین می‌کند. این معاوضه و درعین حال «تسویه حساب فوری» باعث می‌شود که افراد و خانواده‌ها کمتر مدیون مادی یا اجتماعی یکدیگر باشند. معاوضه گاه از چارچوب خانواده و قبیله تجاوز می‌کند و قبایل دیگر و خویشاوندان دوردست را نیز در برمی‌گیرد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۲۴۱). به نظر مارسل موس این نه افراد، بلکه گروه‌ها هستند که متقابلاً یکدیگر را مجبور به مبادله و تعهد می‌کنند (همان: ۲۴۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله مطالعات جامع علوم انسانی

معرفی کلی منطقه مورد مطالعه
روستای جعفرآباد در ۲۰ کیلومتری شهرستان ایلام قرار دارد. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت این روستا ۲۲۳۷ نفر (۶۲۱ خانوار) بوده است. مردم روستای جعفرآباد گُرد زبان و از ایل میشخاص هستند و به کردی جنوبی تکلم می‌کنند. مردمان اهالی این روستا اکثراً به کشاورزی، دامداری و باغداری مشغول‌اند. بخش سیوان متشکل از دو دهستان میشخاص و علیشروان با مرکزیت روستای جعفرآباد، دارای ۲۷ نقطه

و مکان، ۱۸ روستا، ۱۴ دهیاری و با وسعت ۵۵۰ کیلومترمربع از محدوده فرودگاه ایلام تا انتهای روستای چنارباشی است. سیوان دارای قابلیت‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف کشاورزی، باغداری، دامداری، تولید میوه و محصولات متنوع باغی و نیز دارای ظرفیت‌های عظیمی در توسعه گردشگری است که در سالیان اخیر شاهد توسعه زیرساخت‌های گردشگری و خانه‌های بوم‌گردی و ایجاد اشتغال پایدار در منطقه بوده است.

۴۵۰ هکتار از اراضی میشخاص زیر کشت محصولات باغی است و غالب محصولات این منطقه گردو، هلو، زردآلو، انجیر و گوجه است که برای خرید این محصولات مردم از جای جای استان به این منطقه سفر می‌کنند. منطقه زیبا و سرسبز میشخاص که به‌عنوان نگین ایلام شناخته شده است به دلیل سرسبزی و درختان سر به فلک کشیده آن جزء مناطق بکر و دیدنی ایلام است؛ این منطقه به دلیل زردآلو و هلوهای معروفش باعث جذب توریست شده و سالانه توریست‌هایی به خاطر مراسم باشکوه جشن برداشت زردآلو به روستای زردآلو آباد این منطقه سفر می‌کنند. آمیختگی جنگل و باغ‌های میوه به‌خصوص درختان گردو همراه با چشمه‌ها و رودهای خروشان، چشم‌اندازی زیبا به این منطقه بخشیده به‌طوری‌که ساعتی به دور از هیاهوی شهرها می‌شود در کنار این باغ‌ها، در سایه‌سار درختان و صدای پای آب به آرامش رسید.

باغات سرسبز، آب‌وهوای خنک و معتدل، محصولات باغی ارگانیک، چشمه‌سارهای طبیعی و پر آب، پوشش گیاهی متنوع و سرسبز، جاذبه‌های تاریخی و توریستی از جمله زیبایی‌های خدادادی این منطقه در میشخاص است؛ که در نوع خود بی‌نظیر است. بخش سیوان به دلیل هجوم گردشگران بومی استان در تابستان برای خرید میوه‌ها از باغداران بسیار شلوغ می‌شود. میشخاص خوش منظره‌ترین دهستان استان ایلام است و مشخصه اصلی این روستا ساختمان‌هایی با تعداد پنجره زیاد می‌باشد که به گفته بزرگان این روستا به دلیل استفاده فراوان از نور خورشید و خاصیت ضد عفونی‌کننده آن است.

یافته‌های تحقیق

در هنگام برگرداندن و ترجمه اصطلاحات هر منطقه باید توجه داشت که بعضی از آنها خاص همان منطقه هستند و باید از ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاحات پرهیز نمود. همچنین باید توجه داشت که ممکن است بعضی از اصطلاحات که مختص به یک منطقه باشد ممکن است واژه و یا کلمه مترادفی برای آن وجود نداشته باشد، که در این موارد محقق سعی نموده است به جای مترادف یک اصطلاح خاص به تعریف آن پردازد و یا آن را از حالت ابهام خارج نماید.

تعاریف زیر مختص به اصطلاحاتی هستند که در تحقیق حاضر تحت عنوان شیوه‌های همیاری در کشاورزی در استان ایلام آمده است:

بافه (Bafeh): چندین چپ کل که روی هم قرار می‌گیرند یک اصطلاح "بافه" را تشکیل می‌دهند.

چپ کل (Chapekal): مقدار علف قرار گرفته در دست کسی که درو می‌کند در هر مرتبه را اصطلاح محلی چپ کل می‌نامند.

بان‌بیر (Banaber): کسی که در گله جفت به وسیله خیش شخم‌زنی، به فاصله هر ۵ و یا ۶ متر و گاهی هم بیشتر به صورت خطی با یک‌بار شخم زدن یک مسیر را مشخص می‌کند تا دیگر اعضای گروه آن قسمت مشخص شده را شخم بزنند و با این کار بدین منظور صورت می‌گیرد که هیچ قسمتی از زمین بدون شخم باقی نماند.

بون (baven): زمین‌های بایر را در اصطلاح محلی "بون" می‌نامند.

کیشه (Kisah): خرمن کردن یا حمل محصول و قرار دادن همه آن در یک مکان مشخص.

تيله (Tilah): مقدار محصولی است که در هنگام کار کیشه در هر مرتبه حمل می‌شود.

تیر پشک (Tire Pesk): مراسم قرعه‌کشی تقسیم اراضی.

چک کردن (Chek): افراد گروه زمین «به‌ش» برای مشخص کردن و جدا کردن سهم، سنگ‌هایی را برداشته و در محل مشخص شده آنها را روی هم قرار می‌دهند. این کار در اصطلاح محلی چک کردن نامیده می‌شود.

چیت (Chit): وسیله‌ای است که از نی و الیافی از جنس موی بز بافته می‌شود و از آن برای محصور کردن اطراف سیاه‌چادر، همچنین محصور کردن بزغاله‌ها و بره‌ها و موارد دیگر استفاده می‌شود.

جووه درو (Juva Derw): زمان فرا رسیدن فصل درو را در اصطلاح محلی جووه درو می‌نامند.

هوکه (Holeh): خرمن کوبی.

طرت (Tart): علف‌های خردشده را در اصطلاح محلی طرت می‌نامند.

سیاه به‌ش (Siah Bash): تقسیم قطعی و همیشگی.

شه‌که‌کینه (Shalakinah): از جمله غذاهای محلی می‌باشد که از ترکیب آرد، زردچوبه، شیرۀ خرما و روغن حیوانی درست می‌شود.

شن کردن (Shan): جدا کردن کاه و دانه از یکدیگر به وسیله کمک گرفتن از نیروی وزش باد ملایم.

کال (kal): زمین‌های زیر کشت را در اصطلاح محلی کال می‌نامند.

کریس (Keris): از قرار گرفتن چندبافته روی هم کریس درست می‌شود.

کلمه (Kelma): کلمه مبادله نیروی کار آدم در مقابل آدم و حیوان در مقابل حیوان می‌باشد.

گاهوکه (Ga Holah): خرمن کوبی با استفاده از راندن حیوانات روی خرمن.

گردۀ (Gerdah): نوعی نان محلی است که خمیر آن را با ته پیاله یا استکان به شکل دایره درمی‌آورند و می‌پزند و بعد با روغن حیوانی و شیرۀ خرما صرف می‌کنند.

گلۀ جفت (Gala jeft): شخم زدن گروهی و دسته‌جمعی.

گله درو (Galah Deraw): درو کردن به صورت گروهی و دسته‌جمعی.

داول (Davel): مترسک.

درونی (Deravani): به کسی که درو می‌کند درونی می‌گویند.

قال (Ghal): سروصدای بلند به صورت دسته‌جمعی برای راندن گرازاها.

میل بر (Mil Ber): در گله درو یک نفر که از همه افراد چابک‌تر است و معمولاً حرفه‌ای‌تر از بقیه می‌باشد، جلوتر از آن‌ها مسیر درو کردن را مشخص می‌کند و پیش می‌رود این فرد در اصلاح محلی میل بر نام دارد.

نوبه گا (Nubah ga): به چرا بردن بز و گوسفند و گاو به صورت نوبتی.

ورازرو (Vraz Row): راندن گرازاها به صورت دسته‌جمعی که با همیاری افراد صورت می‌گیرد.

شیوه‌های همیاری در کشاورزی

همیاری در تقسیم اراضی

تقسیم اراضی در بین زمین‌داران، به دو روش «زمین به‌ش»^۱ و «تیر پشک»^۲ صورت می‌گیرد و مراسم بدین صورت است که معمولاً بعد از عید نوروز و با هماهنگی قبلی زمین‌داران دور هم جمع شده و به میان زمین‌های زراعی خود رفته و آنها را بین خود تقسیم می‌کنند. برای اندازه‌گیری اراضی از گام یا رسن استفاده می‌شود. البته در حال حاضر نیز از این شیوه در تقسیم اراضی مشاع چه در روستا و حتی در شهر به خصوص برای وراثت و بازماندگانی که باید زمین را تقسیم کنند، استفاده می‌شود. مهم‌ترین دلیل تقسیم اراضی به سبب مشاع بودن زمین‌هاست.

از دلایل بعدی می‌توان به تقسیم ارث، تفکیک زمین برای نوع کشت، درگیری‌های صاحب اراضی و یا ختم یک درگیری، فروش اراضی و تقسیم بالاجبار زمین اشاره کرد. اگر «زمین به‌ش» به شکل مشاع باشد و هر ساله تقسیم‌بندی از کسی به کس دیگر تغییر کند

1. Zamin bash
2. Tire peshk

مراسم «تیر و پشک» بهترین راه‌حل خواهد بود. در گذشته زمین‌ها را بر اساس مرغوبیت، داشتن علف، آب و ... گام به‌ش و یا رسن به‌ش می‌کردند ولی در حال حاضر مراسم «تیر و پشک» مورد تأیید همه صاحبان اراضی است.

در هنگام استفاده از گام برای اندازه‌گیری زمین، ابتدا کلیه اراضی مزروعی توسط یک نفر (مورد اعتماد) گام می‌شود. زیرا اندازه گام افراد، متفاوت است. ابتدا یک اندازه‌گیری کلی صورت گرفته که در آن، طول و عرض را اندازه‌گیری می‌کنند. بعد از اندازه‌گیری کلی اندازه‌ها را به تعداد صاحبان زمین و میزان سهم آنها تقسیم می‌کنند. البته در این تقسیم‌بندی بنا به کیفیت و موقعیت قطعات اراضی، آن‌ها را کم و یا زیاد در نظر می‌گیرند به طوری که رضایت تمامی افراد حاضر در این تقسیم‌بندی به دست آید.

مثلاً زمین‌هایی که به جاده یا کوه نزدیک‌ترند بیشتر و زمین‌هایی که در وسط قرار دارند کمتر در نظر گرفته می‌شوند، زیرا قسمت‌هایی که به کوه نزدیک‌ترند. محصول به‌عمل آمده در آنها در معرض خسارت‌پذیری بیشتری از سوی حیواناتی چون گراز است و همچنین در هنگام درو کردن و رفت‌وآمد در آنها زحمات بیشتری را می‌طلبند. زمین‌هایی که به جاده نزدیک‌ترند نیز می‌توانند خسارت پذیر باشند، چرا که وقتی گله‌های گاو و گوسفند از آنجا عبور می‌کنند و به مزرعه خسارت زده و قسمت‌هایی از آن را می‌خورند و یا اینکه در ایام تعطیلات هفتگی کسانی که برای تفریح به دامن طبیعت آمده‌اند، وارد این مزارع شده و خسارت‌هایی را به آن وارد می‌سازند.

در هنگامی که شخص گام‌کننده تقسیم اراضی شروع به گام کردن می‌کند، پس از مشخص کردن هر سهم، بقیه افراد گروه برای مشخص کردن و جدا کردن آن سهم، سنگ‌هایی را برداشته و در محل مشخص شده روی هم قرار می‌دهند. این کار در اصطلاح محلی «چک کردن»^۱ نامیده می‌شود. عمل چک کردن به صورت خطی صورت می‌گیرد، با این کار مرز بین اراضی مشخص می‌شود. این کار در هر قسمت و هر سهم از اراضی تکرار می‌شود. بعد از مشخص کردن سهام قطعات اراضی یک مراسم قرعه‌کشی به نام «تیر

1. Chek

پشک» صورت می‌گیرد بدین صورت که همه اعضای گروه در یک جا دور هم جمع شده (تصویر شماره ۱-۲-۳) و با استفاده از سنگ، قطعات اراضی را به صورت نمادین روی زمین مشخص می‌کنند (تصویر شماره ۴)، (قطعه اول- قطعه دوم- قطعه سوم- قطعه چهارم و...)، و در وسط هر قطعه یک سنگ قرار می‌دهند. پس از آن به یک فرد بی طرف یا بیچه و یا کسانی را که از خانواده آنها دو نفر در جمع حضور دارد می‌گویند که «بتور»^۱ (قهر کن) و او نیز باید از آن جمع دور شده آن قدر که صدای آنها را نشنود. بعد بدون حضور فرد قهر کرده (که به صورت نمادین می‌باشد) هر کس شیئی را برداشته و می‌گوید که سهم من با این شیء مشخص می‌شود. (اخیراً از روش نوشتن اسم استفاده می‌شود). مثلاً یک نفر یک برگ را معرف سهم خود می‌داند، نفر دیگر یک قطعه چوب کوچک و یا سنگ کوچک و یا هر شیء دیگری که در دست باشد. بعد از مشخص کردن اشیاء معرف سهم هر یک از افراد، فرد قهر کرده را می‌آورند و به او می‌گویند که هر یک از این اشیاء را در بین این سنگ‌ها قرار بده، وی نیز اشیاء را در دست گرفته و هر کدام از آنها را به صورت دلخواه در وسط سنگ‌ها قرار می‌دهد و بدین ترتیب سهم هر کدام از افراد گروه «زمین به‌ش» را مشخص می‌نماید.

ضمناً در هنگام قرار دادن اشیاء در میان سنگ‌ها باید همه افراد حاضر، سکوت کنند و کسی حق صحبت ندارد و یا به فرد قهر کرده اشاره بدهد، زیرا اگر این کار از سوی هر کدام از افراد صورت گیرد تقلب محسوب گشته و مراسم قرعه یا «تیر پشک» به هم می‌خورد. این رسم در مورد زمین‌هایی صورت می‌گیرد که به صورت مشاع اداره می‌شوند. از جمله دلایلی که هنوز هم این اراضی به صورت مشاع بین بعضی از طایفه‌ها اداره می‌شوند این است که بعضی از صاحبان زمین حاضر به «سیاه به‌ش»^۲ (تقسیم قطعی) زمین‌هایشان نیستند، زیرا که دامدارند و اگر «سیاه به‌ش» را بپذیرند، دیگر نمی‌توانند دام‌هایشان را آزادانه در هر جایی از اراضی بچرانند این مسئله سال‌هاست که مشکلاتی را به دنبال داشته

1. Betoor
2. Siah bash

همیاری‌های سنتی در کشاورزی ایلام...، رشیدوش و یوسفی‌نژاد | ۲۶۳

است. «در جوامع سنتی مالکیت فردی زمین را به رسمیت نمی‌شناسند. در این جوامع، افراد یا خانوارها برای دوره محدودی حق بهره‌برداری از این منابع را دارند، اما نمی‌توانند آن را به تملک خود درآورند. آن‌ها نمی‌توانند زمینی را که از آن استفاده می‌کنند، بخرند یا بفروشند. یک چنین حقوق مالکیت زمین را که به گروه خویشاوندی یا کل اجتماع تعلق دارد غالباً حقوق گروهی می‌نامند» (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۵:۵۹۶).



تصویر ۱- بخش سیوان. اجتماع زمین‌داران در میان اراضی به هنگام تقسیم اراضی مشاع، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۲- بخش سیوان. اجتماع زمین‌داران در میان اراضی به هنگام تقسیم اراضی مشاع، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۳- بخش سیوان. نحوه گام کردن زمین در هنگام تقسیم اراضی، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۴- بخش سیوان. مشخص کردن مرز اراضی به وسیله سنگ چین، بهار ۱۳۹۷، عکاس: محققان

شخم زدن زمین:

در کشاورزی دو بار در سال زمین کشاورزی را شخم می‌زنند. بار اول در اواخر مهرماه و اوایل آبان ماه انجام می‌گیرد که در این موقع مرحله کاشت صورت می‌گیرد. اما در اراضی که در آن سال کاشت نمی‌شوند نیز شخم صورت می‌گیرد و این کار به دلیل نفوذپذیر نمودن زمین برای ذخیره نزولات جوی پاییز، زمستان و اوایل بهار است. شخم دوم با شروع گرما و تقریباً در اواخر اردیبهشت‌ماه صورت می‌گیرد. این کار به چند دلیل صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: علف‌های هرزی که در زمین رشد کرده، آب ذخیره‌شده در آن را مصرف نکنند، این علف‌ها فرصت بذرافشانی نداشته باشند، خاک از مواد آلی غنی گردد و نیز بر اساس اصول زراعت، با قطع لوله‌های مویین آب ذخیره‌شده از فصل بارشی پشت سر گذاشته‌شده از زمین خارج نشود و در سال آینده محصول بیشتری از آن زمین برداشت شود.

کلیه اراضی به دو قسمت تقسیم می‌شوند: یک قسمت زمین‌های بایر که در اصطلاح محلی آنها را «بُون»^۱ می‌نامند و قسمت دیگر زمین‌های زیر کشت که در اصطلاح محلی «کال»^۲ نامیده می‌شود. زمین بُون در سال بعد به کال و کال به بُون تبدیل می‌شود. دلیل این تقسیم‌بندی این است که زمین‌هایی را که در یک سال کشت می‌شوند، در سال بعد به آنها استراحت داده تا تقویت شوند و کلیه این زمین‌ها به صورت یک سال در میان کشت می‌شوند. در کلیه مراحل کشاورزی یک نوع همیاری صورت می‌گیرد که آن را «کلمه»^۳ می‌نامند. «کلمه» مبادله متقابل نیروی کار آدم و حیوان در مقابل هم می‌باشد. مثلاً اگر کسی دو روز با کس دیگر کار کند او نیز در مقابل باید دو روز برای آن شخص کار کند و در اختیار او باشد و یا اگر حیوان خود را برای یک روز در اختیار کسی قرار دهد او نیز باید حیوان خود را برای یک روز در اختیار آن شخص قرار دهد. «کلمه» از نظر اقتصادی

1. baven
2. Kal
3. kelmah

برای اقشار ضعیف و کم‌درآمد بسیار مفید است؛ زیرا به‌جای تعیین اندازه مزد و اجرت مادی، افراد به مبادله نیروی کار و خدمات می‌پردازند و با این کار در مقابل خدمات دیگران خود را از پرداخت وجه معاف می‌کنند. این نوع همیاری باعث صمیمیت و هم‌دلی بین طرفین مبادله می‌گردد و سبب آسان‌تر شدن کارها می‌گردد.

«کلمه مبادله نیروی کار صرفاً با انجام نیروی کار مشابه صورت می‌گیرد، یعنی کار در مقابل کار مبادله و معاوضه می‌شود» (لطفی، ۱۳۸۰: ۹۹). در مرحله کاشت جهت شخم زدن با خیش (تصویر شماره ۵) یک نوع همیاری صورت می‌گیرد که آن را «گله جفت»^۱ (شخم زدن گروهی) می‌نامند. در این نوع همیاری چندین نفر به همراه ابزارها و حیوانات خود گرد هم جمع شده و به‌صورت نوبتی کلیه زمین‌های کشاورزی را شخم می‌زنند. در این همیاری نیز از «کلمه» استفاده می‌شود، در «گله جفت» تقسیم کار وجود دارد، بدین صورت که یک نفر از افراد بذر می‌پاشد، یک نفر نیز با خیش به فاصله هر ۵ و یا ۶ متر و گاهی هم بیشتر به‌صورت یک خط با یک‌بار شخم زدن یک مسیر را مشخص می‌کند این شخص را در اصطلاح محلی «بان‌بر»^۲ می‌گویند، بعد از مشخص شدن محدوده توسط «بان‌بر» یکی از افراد آن محدوده که مشخص شده بذرپاشی می‌کند و بقیه شخم‌زنان نیز شروع به شخم زدن آن محدوده کرده و بعد از اتمام کار، آن محدوده تعیین شده توسط شخص «بان‌بر»، شروع به شخم زدن سایر محدوده‌ها می‌کنند. این کار بدین منظور صورت می‌گیرد که هیچ قسمتی از زمین بدون بذرپاشی و بدون شخم باقی نماند و همه قسمت‌های زمین به‌خوبی بذرپاشی و شخم زده شود. در مراسم گله‌جفت صبحانه و نهار تمامی افراد شرکت‌کننده در این همیاری بر عهده آن صاحب زمینی می‌باشد که آن روز زمینش را شخم زده‌اند. همچنین تعلیف کلیه حیوانات مورد استفاده در این مراسم نیز بر عهده همان شخص می‌باشد.

1. Gala jeft
2. Banaber

گله‌جفت دارای کارکردهایی می‌باشد. از جمله اینکه همدلی و صمیمیت خاصی در بین افراد شرکت‌کننده را به دنبال داشته و سبب ارتقای روحیه کاری افراد شده و باعث می‌شود که کار شخم‌زنی به راحتی و آرامش خاطر بیشتری صورت گیرد و همچنین باعث اتحاد خاصی میان افراد شرکت‌کننده می‌شود. البته در سال‌های اخیر این همیاری به ندرت صورت می‌گیرد، زیرا با ورود تکنولوژی به روستاهای منطقه و به دلیل سرعت در کار و کاهش هزینه‌ها، کشاورزان معمولاً از تراکتور استفاده می‌کنند و در حال حاضر شخم زدن با خیش و گاواهن فقط در زمین‌های صعب‌العبور منطقه که استفاده از تراکتور در آنجا ممکن نیست، رواج دارد.

از جمله موارد مهمی که کشاورزان روستا در هنگام کاشت بدان توجه می‌کنند نژاد و کیفیت آن بذرها و دانه‌هایی می‌باشد که سعی در کاشت آن دارند. مثلاً اگر محصول به دست آمده از یک نژاد خاص دارای کیفیت و کمیت زیادی بوده است. کشاورزان روستا سعی می‌کنند تا از آن محصول جهت کاشت استفاده نمایند.



تصویر ۵- خیش شخم‌زنی، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان

همیاری در «وراز راو»^۱ (راندن گراز):

به علت وجود گراز در منطقه، گاهی اهالی روستاها دور هم جمع شده و برای راندن گرازها به صورت دسته‌جمعی راهی کوه‌های منطقه شده و با سروصدای بلند که در اصطلاح محلی «قال»^۲ گفته می‌شود، گرازها را از منطقه خود به سمت سایر مناطق می‌رانند. در مواردی نیز به دور از چشم مأموران محیط‌زیست تعدادی از آنها را می‌کشند. این گونه دور کردن و راندن گرازها از منطقه را در اصطلاح محلی «وراز راو» می‌نامند.

همیاری در گله درو^۳ (درو گروهی):

با پایان یافتن فصل بارش و گرم شدن هوا، مزارع روستاها کم‌کم سرسبزی و طراوت خود را از دست داده و زرد می‌شوند، در این هنگام کشاورزان روستا شروع به تیز کردن داس‌هایشان کرده و خود را برای درو کردن و برداشت آنچه را که کاشته‌اند آماده می‌کنند. این موقع از سال را جو درو «جووه درو»^۴ یعنی هنگام درو کردن جو می‌نامند. از جمله همیاری‌هایی که در هنگام برداشت محصول در روستاهای ایل مورد توجه قرار می‌گیرد، «گله درو» می‌باشد. همیاری در گله درو بیشتر به این خاطر صورت می‌گیرد که محصولات کشاورزی به موقع جمع‌آوری گردند و به همین خاطر مردم روستاها از راه همیاری و با اتحاد و همبستگی بین خود در مدت‌زمان کوتاهی گندم و جویها و ... را درو می‌کنند. همیاری در «گله درو» بیشتر در مورد خانواده‌هایی صورت می‌گیرد که فرزند ذکور کمتری دارند. بسیاری از جوامع کشاورز، نظام‌های مبادله کار دارند که بر همیاری سربه‌سر مبتنی‌اند. در زمان کاشت و برداشت محصول که کار برای یک خانوار بسیار سنگین است، خانوارهای همسایه یا گروه‌های خویشاوند به نوبت در زمین‌های هم کار می‌کنند. مشارکت‌کنندگان در یک چنین نظام‌هایی، حساب بدهی و بستان‌هایشان را

-
1. Veraz raow
 2. Ghal
 3. Galah deraw
 4. Juva Derw

به‌خوبی در ذهن نگه می‌دارند. شخصی که در زمان مقتضی، یاری دیگران را با همان اندازه کار یا هدیه برابر جبران نکند، با طرد شدید اجتماعی روبرو می‌شود و در آینده از همکاری دیگران محروم خواهند شد (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۵:۶۱۴).

در «گله درو» مبادله نیروی کار صورت می‌گیرد. همیاری در گله درو بدین‌صورت انجام می‌گیرد که عده‌ای از کشاورزان داس‌های خود را آورده دور هم جمع شده و با کمک هم، کم‌کم شروع به درو کردن و برداشت محصولات خود می‌کنند. افراد شرکت‌کننده در این مراسم از همدلی و انسجام خاصی برخوردارند. در «گله درو» یک نفر که از همه افراد چابک‌تر است و معمولاً حرفه‌ای‌تر از بقیه می‌باشد، جلوتر از آنها مسیر درو کردن را مشخص می‌کند و پیش می‌رود. این فرد در اصطلاح محلی «میل‌بر»^۱ نام دارد. وی معمولاً از زبان گویایی نیز برخوردار است. چنانچه با شوخی‌های خود به بقیه روحیه می‌دهد و حتی یک نوع رقابت را نیز در بین آنها برمی‌انگیزد. بقیه افراد نیز مسیر مشخص شده توسط «میل‌بر» را درو می‌کنند.

در «گله درو» هر یک از افراد دروگر «درونی‌ها»^۲ (کسانی که درو می‌کنند) که بتواند بیشتر درو کند مورد تحسین و تشویق جمع حاضر قرار می‌گیرد و به‌نوعی بقیه افراد از او حساب می‌برند و همین رقابت بین «درونی‌ها» باعث می‌شود که عمل درو کردن سرعت بیشتری به خود بگیرد و این کار از جمله کارکردهای درو دسته‌جمعی «گله درو» می‌باشد. کسی که آخرین بافه محصول را درو می‌کند یا می‌بندد یا خرمن می‌کند غالباً با رفتار ناخوشایند دوستانش مواجه می‌شود. مثلاً او را در میان آخرین بافه محصول انداخته یا داخل گاری‌اش می‌نشانند، او را می‌زنند و با آب خیسش می‌کنند و یا داخل زباله‌ها می‌اندازند؛ یا اگر از این مضحکه بازی در برود، دست کم مورد تمسخر قرار می‌گیرد یا فکر می‌کنند که در عرض سال جاری حتماً با بد بیاری و ناکامی روبرو می‌شود. از این‌رو دروگران طبعاً خوش ندارند آخرین دروگر کشت باشند یا آخرین ضربه‌ها را در

1. Mil ber

2. Deravaniha

خرمن کوبی بزند یا آخرین بافه محصول را ببندند و به هنگام نزدیک شدن به پایان کار، این اکراه رقابتی بین کشاورزان ایجاد می‌شود و هر کس می‌کوشد کارش را هر چه سریع‌تر و زودتر تمام کند تا از مورد تمسخر قرار گرفتن و رفتار ناهنجاری که آخرین نفر با آن مواجه می‌شود، در امان بماند (فریزر، ۱۳۸۶: ۴۸۵).

معمولاً صبحانه و نهار همه افراد حاضر در «گله‌درو» بر عهده آن کسی است که آن روز مزرعه‌اش درو می‌شود. در هنگام «گله‌درو» برای رفع خستگی و تجدید روحیه افراد حاضر در «گله‌درو»، هر چند لحظه یک‌بار یک نفر می‌گوید «هر که خسته جان‌ه بیوشه یا علی» یعنی «هر کس خسته شده و آقا و سرور او علی (ع) است بگوید یا علی» سپس همگی با صدای بلند می‌گویند یا علی. با گفتن یا علی و مدد گرفتن از مولای خود روحیه افراد دوچندان شده و با نیرو و جدیت بیشتری کار درو کردن را دنبال می‌کنند. از جمله مواردی که در «گله‌درو» به وضوح می‌توان مشاهده کرد تقسیم‌کاری می‌باشد که هنگام درو کردن صورت می‌گیرد. در «گله‌درو» کار مردان و زنان از هم تفکیک شده است.

نقش‌های جنسیتی در همیاری گروهی

«هویت جنسی و نقش‌های جنسیتی معمولاً دوشادوش هم تحول می‌یابند. این جامعه است که نقش‌های جنسیتی را تعریف می‌کند و آن نوع رفتاری را که برای یک مرد یا یک زن شایسته است، مشخص می‌سازد. بچه‌ها به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که در برابر آنچه وظایف اجتماعی یا مشاغل متناسب با جنسیت آنها انگاشته می‌شود، واکنش مساعدی نشان دهند (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۵: ۴۰۸). کودکان از نظر اقتصادی سودمند واقع می‌گردند. آن‌ها را باید سال‌های متمادی پرورش داد تا روزی در انباشتن مواد غذایی خانواده مؤثر واقع شوند. لکن در نظام جدید حتی بچه‌های نو پا در وجین کردن مزرعه یا پراندن و دور کردن پرندگان مزاحم و راندن وحوش رهگذر، یاری می‌کنند (گوردون چایلد، ۱۳۵۲: ۴۶۳).

در «گله‌درو» با توجه به توانایی افراد و همچنین جنسیت آنها تقسیم کار صورت می‌گیرد (تصویر شماره ۶). مردها با داس‌های تیز خود مشغول درو کردن محصول هستند

(تصویر شماره ۷). کوچک‌ترها پیرمردها و یا کسانی که از توانایی کمتری برخوردارند به دنبال «درونی‌ها» حرکت کرده و شروع به جمع‌آوری «چپ کل‌های» درو شده می‌کنند و آنها را به صورت چندتایی روی هم قرار می‌دهند تا محصول پخش و پراکنده نشود. همه «چپ کل‌هایی» که روی هم قرار می‌گیرند در اصطلاح محلی «بافه»^۱ نامیده می‌شوند (تصویر شماره ۸). بعد از اتمام درو و به کمک سایر «درونی‌ها» این بافه‌ها را دوباره به صورت چندتایی روی هم گذاشته که در اصطلاح محلی به آن «کریس»^۲ می‌گویند که از بافه خیلی بزرگ‌تر است. بعد از تبدیل کردن «بافه» به «کریس»، تعدادی سنگ را برداشته و آنها را روی «کریس» قرار می‌دهند تا از وزش باد و پراکنده شدن در مزرعه و همچنین از شر گرازهای منطقه در امان باشند. زنان نیز در هنگام «گله‌درو»، صبحانه و ناهار همه افراد را تهیه می‌کنند، برای آنها چایی دم می‌کنند و آب‌خنک در اختیار «درونی‌ها» قرار می‌دهند تا از عطش آنها کاسته شده و توانایی درو کردن که کاری بس سخت و طاقت‌فرسا است را داشته باشند. «اگرچه تقسیم کار اصطلاحی است جدید که آدام اسمیت نخستین بار آن را برای توضیح تخصصی شدن وظایف در نظام اقتصادی به کار برده است، ولی سابقه آن برمی‌گردد به زمان تشکیل نخستین جامعه‌های سازمان‌یافته اولیه که از ویژگی‌های عمده آنها یکی هم تقسیم کار اجتماعی بوده است» (طیبی، ۱۳۸۰:۱۶۶).

«گله‌درو»، دوسویه است و باید حتماً جبران شود. در این کار گروهی کار برداشت با مردان و تهیه غذای جمع هم با همیاری زنان بود. در این امر تلاش مردها و زنان دوشادوش هم بوده و هست. گاهی در «گل‌کیشه»^۳ (حمل دسته‌های گندم و جو) مردان و زنان در کنار هم بودند، مردان مسئولیت جمع‌آوری دسته‌های گندم و جو و بستن آنها را بر عهده داشته و خانم‌ها هم وظیفه حمل آن تا محل خرمن را بر عهده داشتند.

1. Bafeh
2. Kerise
3. Gol kishah

در «گله‌درو»، یک سنت بسیار زیبا هم همیشه یک پای کار بوده و هست و آن پختن نانی به نام «گیرده»^۱ با روغن حیوانی و دوشاب (شیره خرما) است که طرفداران ویژه‌ای دارد. این نوع نان، نوبت غذایی نبود، بلکه نوعی جایزه و به‌نوعی تشویقی برای مشارکت مردم در این نوع فعالیت‌ها بوده و هست. کسانی که می‌خواهند درو کنند قبل از شروع به کار، به دلیل فشار زیادی که به خاطر دولا شدن به کمر وارد می‌شود، یک کمر بند و یا چفیه (لچگک) به کمر خود می‌بندند. چفیه را معمولاً به‌صورت ضربدری از روی شانه‌های خود عبور می‌دهند و سپس آن را به دور کمر می‌بندند. این کار به این دلیل صورت می‌گیرد تا از فشار بیش‌ازحد به کمر جلوگیری شود.



تصویر ۶- گله‌درو (درو کردن گروهی)، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۷- داس (از ابزارهای درو کردن)، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۸- بافه‌گذاری، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان

خرمانجی! مکانی که سنگ و کلوخ آن پاک شده و خرمن را در آنجا قرار می‌دهند. قبل از گذاشتن خرمن، آن مکان کاملاً پاک شده و در سال‌های گذشته نیز در آنجا خرمن قرار گرفته است. معمولاً در هر خرمانجی چندین خرمن قرار داده می‌شود. این کار به این دلیل صورت می‌گیرد که در هنگام خرمن‌کوبی کشاورزان به همدیگر کمک کنند. پس از رسیدن به خرمانجی، «تيله» را به آرامی بر زمین نهاده و رسن را به آرامی باز کرده و علف‌ها را روی زمین می‌گذارند.

فرد یا افراد «کیشه»^۲ کننده (عبارت است از حمل محصول و قرار دادن آن در یک مکان مشخص) اولین تيله‌هایی را که به خرمانجی می‌برند به صورت دایره دور هم می‌چینند. قبل از اینکه دایره کامل شود یک قسمت از آن را خالی می‌گذارند تا بتوانند از آن عبور کرده و داخل دایره را با علف پر کنند. این شیوه قرار دادن اولیه خرمن را در اصطلاح محلی «رن»^۳ می‌نامند. پس از گذاشتن رن خرمن، بقیه تيله‌ها را که می‌آورند و در داخل و روی آن می‌ریزند تا اینکه خرمن جمع‌وجور شده و کار کیشه به اتمام می‌رسد و خرمن آماده خرمن‌کوبی می‌شود.

مزایای همیاری در ایجاد خرمانجی (خرمنجا):

در فصل برداشت محصول، تعدادی از کشاورزانی که می‌خواهند با همیاری یکدیگر به برداشت محصول خود بپردازند، دور هم جمع شده و در قسمتی از مزارعشان با همیاری هم شروع به درست کردن یک خرمانجی (خرمنجا) می‌کنند. این افراد ابتدا قسمتی از زمین مزارع را که هموارتر است انتخاب کرده، سنگ و کلوخ آن را برداشته و با همیاری یکدیگر و به وسیله بیل و ابزارهای دیگر آن را صاف و هموار کرده و پس از پاک‌سازی کامل زمین خرمانجی، آن را آب‌پاشی می‌کنند تا زمین آن سفت شود و در هنگام خرمن‌کوبی چندین سال متمادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از اتمام کار خرمانجی،

1. KHarmanji
2. Kisah
3. ran

اعضاء خرمن‌های خود را بر روی خرمانجی و در کنار یکدیگر به فاصله نسبتاً کوتاهی قرار می‌دهند.

مزایای همیاری در ایجاد خرمنجا:

- باعث تسریع در انجام همیاری در خرمن‌کوبی می‌شود، زیرا افراد در یک مکان، کار خرمن‌کوبی را با همیاری یکدیگر انجام می‌دهند و دیگر مجبور نیستند که فاصله زیادی را برای خرمن‌کوبی هر یک از خرمن‌های اعضاء طی نمایند.
- اگر قسمتی از مزرعه به‌صورت اتفاقی آتش بگیرد، احتمال خطر آتش‌سوزی در خرمانجی به حداقل می‌رسد، زیرا سریعاً می‌توان از رسیدن آتش به خرمانجی جلوگیری نمود. (به دلیل تمرکز خرمن‌ها در یک مکان).
- بعضی از حیوانات از جمله گراز که به‌وفور در منطقه یافت می‌شود شب‌هنگام وارد مزارع شده و خسارت‌های زیادی را به آنجا وارد می‌نماید، ایجاد خرمانجی و قرار دادن خرمن‌ها در این مکان، موجب به حداقل رساندن خسارت از جانب این‌گونه حیوانات می‌شود. و با این کار مواظبت از خرمن‌ها به‌صورت ساده‌تر دنبال می‌گردد.
- ایجاد خرمانجی، باعث تقویت روحیه مشارکت در بین اعضاء شده و صمیمیت بیشتری را به جمع تزریق می‌نماید.

همیاری در حمل محصول و قرار دادن آن در خرمنجا (کیشه):

«کیشه» عبارت است از حمل محصول و قرار دادن آن در یک مکان مشخص. پس از اتمام درو و بافه کردن و قرار دادن آن به‌صورت کریس، سپس نوبت به کار کیشه می‌رسد. کار کیشه به این خاطر صورت می‌گیرد که کلیه کریس‌ها را به مکانی به نام خرمانجی انتقال داده و آنها را به‌صورت یک خرمن درآورند. برای انجام کار کیشه حداقل دو نفر لازم است ولی اگر بخواهند کار زودتر تمام شود از نفرات بیشتری استفاده می‌شود.

ابزارهای مورد استفاده در کیشه عبارت‌اند از: «رَسِن»^۱، «چاکل»^۲ (تصویر شماره ۹)، «وروانگ»^۳.

رَسِن: طنابی است بسیار محکم که از موی بز بافته می‌شود. رَسِن کیشه تا وسط، دو طنابی است و از وسط به بعد یک طنابی می‌باشد. طول این طناب، حدود ۱۰ متر می‌باشد (تصویر شماره ۱۰).

چاکل: چوب دو شاخه‌ای است که بر سر رسن قرار می‌گیرد تا بتوان از آن به صورت گیره (قلاب) استفاده کرد. جنس چوب آن معمولاً از چوب درخت بلوط می‌باشد (تصویر شماره ۱۱).

پشت‌بند (وروانگ Varvaneg): پارچه و یا هر چیز دیگری که شخص کیشه کننده بین پشت خود و علف‌هایی که قرار است حمل شوند می‌گذارد تا پشت او در اثر برخورد مستقیم که در بین علف‌ها وجود دارند دچار جراحت نشود.



تصویر ۹- گذاشتن رَسِن روی زمین جهت گذاشتن علف روی آن، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان

1. rasen
2. chakel
3. varvaneg

همیاری‌های سنتی در کشاورزی ایلام...، رشیدوش و یوسفی‌نژاد | ۲۷۷



تصویر ۱۰ - گذاشتن رَسَن روی زمین جهت گذاشتن علف روی آن، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۱۱ - چاکل، یک چوب قلاب مانند، بهار ۱۳۹۸، عکاس: محققان

همیاری در خرمن‌کوبی

در گذشته نوعی همیاری در خرمن‌کوبی بود که نیازی به حضور افراد نبود و می‌بایست، همسایگان با قرض دادن حیواناتی چون الاغ و قاطر در این امر به اقوام و همسایگان یاری می‌رساندند. در امر کاشت هم در گذشته قرض دادن حیوانات مرسوم بود. به هنگام کاشت افرادی که مهارت بیشتری داشتند در این زمینه به همه کمک می‌کردند و هنگام برداشت سهمی از خرمن داشتند؛ از جمله کسی که (دار مخصوص کاشت) را می‌ساخت و یا در حین کار مسئول تأمین و تعمیردار (گاوآهن و خیش) بود. گاهی کشتزارها دورتر از مکان زندگی بود و کشاورزان باید، مدتی را دور از خانه به سر ببرند تا کار کاشت و داشت و برداشت به انجام برسد. از هر خانواده یک نفر انتخاب می‌شود و همراه با اقوام دیگر راهی می‌شوند تا کار کشاورزی به سرانجام برسد. این نوع جمع بیشتر برای تنها نبودن و تشویق همدیگر برای پیشبرد کار است. در این نوع کار، همیاری‌ها به شکل تهیه نان «پیگ»^۱ یا تهیه آب شرب و حتی همکاری در کارهای کشاورزی نمود می‌یابد.

یکی از مراسم‌های عجیب به هنگام پختن نان «پیگ» در زمان جمع‌آوری محصول است که در میان خمیر آن مهره‌ای (آبی‌رنگ) پنهان می‌کردند و بعد از تقسیم نان، تکه‌ای که مهره در آن بود و سهم هرکس می‌شد، باید کاری انجام می‌داد که در میان یکی از طوایف، به شکلی دردناک برگزار می‌شد و شخصی را که تکه نان مهره‌دار نصیبش می‌شد، آن قدر می‌زدند تا دل خداوند به رحم بیاید و باران بیارد.

از رسوم فصل کشاورزی در میان مردم منطقه موردپژوهش، انواع نذر برای بارش باران بوده و هست. در فصل خشک (خشکسالی) نذر گذشت، یکی از بهترین سنت‌ها بوده که در آن با کشتن گاو و گوسفند و پخش گوشت آن بین مردم، نذر آتش، نذر کمک، نذر گذشت و... انجام می‌گرفت و حتی برای بارش باران، صاحب حقی از حقش می‌گذشت تا پروردگار نظر لطفش را شامل مردم منطقه کند.

1. papeg

همیاری در خرمن‌کوبی (گل‌هوله) ^۱:

در گذشته به دلیل مکانیزه نبودن خرمن‌کوبی، به‌جای ماشین‌آلات کشاورزی از حیوانات از جمله گاو، قاطر، الاغ و ... استفاده می‌شده است؛ بدین‌صورت که یک میله آهنی را در وسط خرمن قرار داده‌اند. این میله در اصطلاح محلی «تیر پای کول کن» نامیده می‌شود و افسار حیوانات را به آن بسته‌اند و با به حرکت درآوردن آنها به‌صورت دور زدن روی خرمن که معمولاً چند روز به طول می‌انجامد عمل خرمن‌کوبی را انجام می‌دادند. این عمل را در اصطلاح محلی «گا‌هوله» ^۲ می‌نامند. در این نوع همیاری افراد دست به یک نوع مبادله می‌زدند. بدین‌صورت که حیوانات خود را اعم از گاو، قاطر، الاغ و... را جهت انجام خرمن‌کوبی به دیگران داده و پس از انجام کار دیگران، آنها نیز حیوانات خود را در اختیار ایشان قرار می‌دادند. در این نوع همیاری علاوه بر واگذار کردن حیوانات، خود افراد نیز به همدیگر کمک می‌کردند. به این نوع مبادله که در مورد حیوانات کاری، صورت می‌گیرد، در اصطلاح محلی «گا‌وه‌گا» ^۳ و یا «چوار پا‌وه چوار پا» ^۴ می‌گویند که در گذشته رواج بیشتری داشته؛ ولی با مکانیزه شدن وسایل کشاورزی کار هوله بسیار راحت‌تر از گذشته صورت می‌گیرد.

کشاورزان روستاها در هنگام هوله (تصویر شماره ۱۲)، با روش مکانیزه و استفاده از خرمن‌کوب و تراکتور و باز هم با استفاده از مبادله نیروی کار (کلمه) در کار هوله به هم کمک کرده و کار هوله راحت‌تر انجام می‌گیرد. در هنگام هوله با خرمن‌کوب، چند نفر از افراد در کناره دهانه خرمن‌کوب می‌ایستند و علف‌ها را با وسیله‌ای به نام سین ^۵ داخل خرمن‌کوب می‌ریزند. چند نفر هم علف‌های دورتر از دهانه خرمن‌کوب را جمع‌آوری کرده تا کار سریع‌تر انجام گیرد. در این میان یکی دو نفر نیز در جلو دریچه خروجی قرار

-
1. holah Gal
 2. holah Ga
 3. Ga va ga
 4. Chovar pa va Chovar pa
 5. seyan

گرفته و علف‌های خردشده (در اصطلاح محلی به آن «طرت»^۱ می‌گویند) را از جلوی دهانه خروجی دستگاه کنار زده و یک یا دو متر دورتر از آن می‌ریزند تا دهانه خروجی خرمن‌کوب مسدود نشده و کار هوله راحت‌تر انجام شود. در هنگام هوله، همه افراد با جدیت و سرعت تمام کار می‌کنند. پس از اتمام کار خرمن‌کوبی، نوبت به خرمن‌کوبی خرمن سایر اعضا همیار می‌رسد. صبحانه و نهار و کلاً پذیرایی افراد حاضر در خرمن‌کوبی بر عهده صاحب خرمنی می‌باشد که در آن روز دیگران با او همیاری نموده و برای او کار کرده‌اند. همیاری در خرمن‌کوبی در اکثر استان‌های ایران از جمله، اصفهان، سیستان، مازندران، لرستان و ایلام و... وجود دارد. در سراب هنام الشتر خرم‌آباد، به همیاری در خرمن‌کوبی (روش کهنه و نو) گل‌هوله گویند (فرهادی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

همیاری در گل‌هوله سبب سرعت بخشیدن در کار خرمن‌کوبی شده و باعث می‌شود کار برداشت محصول در مدت‌زمان کوتاهی صورت گیرد. گل‌هوله نیازمند نیروی کار فراوانی اعم از انسان و حیوان می‌باشد و اگر کسی بخواهد کار هوله (خرمن‌کوبی) را به‌صورت انفرادی و یا با تعداد افراد کمتری انجام دهد، علاوه بر طولانی شدن زمان این کار، کیفیت کار نیز پایین خواهد بود و هزینه‌های بیشتری را برای فرد به دنبال خواهد داشت. زیرا در حال حاضر کار هوله غالباً با استفاده از تراکتور و خرمن‌کوب انجام می‌گیرد، که اگر تعداد افراد حاضر در هوله اندک باشد زمان بیشتری صرف انجام این کار خواهد شد که خود افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت. لذا همیاری در هوله به‌صورت گل‌هوله می‌تواند علاوه بر بالا بردن کیفیت کار و جلوگیری از حیف‌ومیل شدن خرمن، به لحاظ اقتصادی نیز می‌تواند هزینه‌ها را برای افراد همیار به حداقل برساند (تصویر شماره ۱۳). علاوه بر این موارد، همیاری در گل‌هوله، منجر به صمیمیت، وحدت و انسجام هر چه بیشتر اعضا همیار خواهد شد (محمدزاده، ۱۳۹۷: ۱۲۲).



تصویر ۱۲- کشاورز در حال انجام هوله، تابستان ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۱۳- همیاری در انجام کار هوله، تابستان ۱۳۹۸، عکاس: محققان

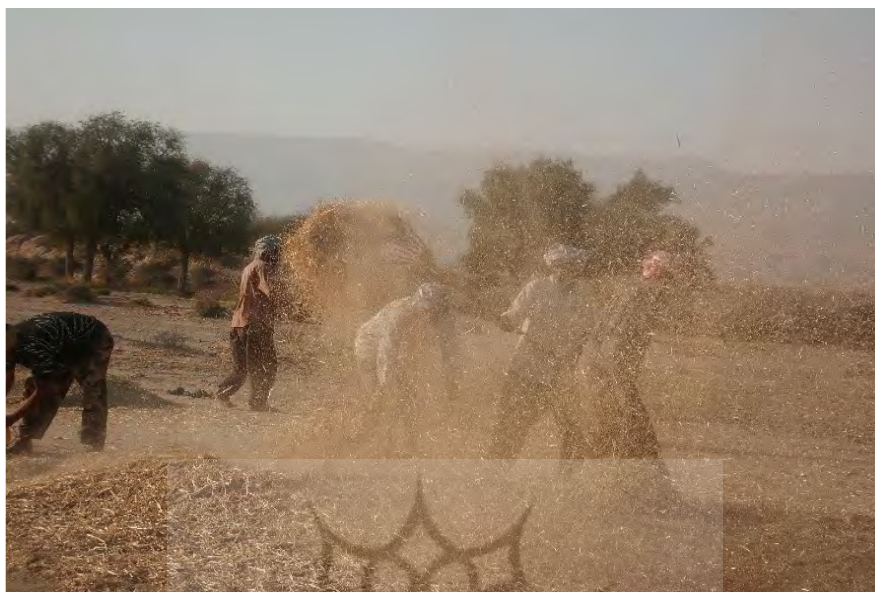
همیاری در جدا کردن کاه از دانه (شَن کردن)^۱:

همیاری در شَن کردن (تصویر شماره ۱۴) نسبت به گل درو و گل هوله، معمولاً نیروی کار کمتری را می‌طلبد، زیرا این کار به مراتب راحت‌تر از آنها می‌باشد و معمولاً این نوع همیاری به صورت گروه‌های ۲ تا ۴ نفری انجام می‌گیرد.

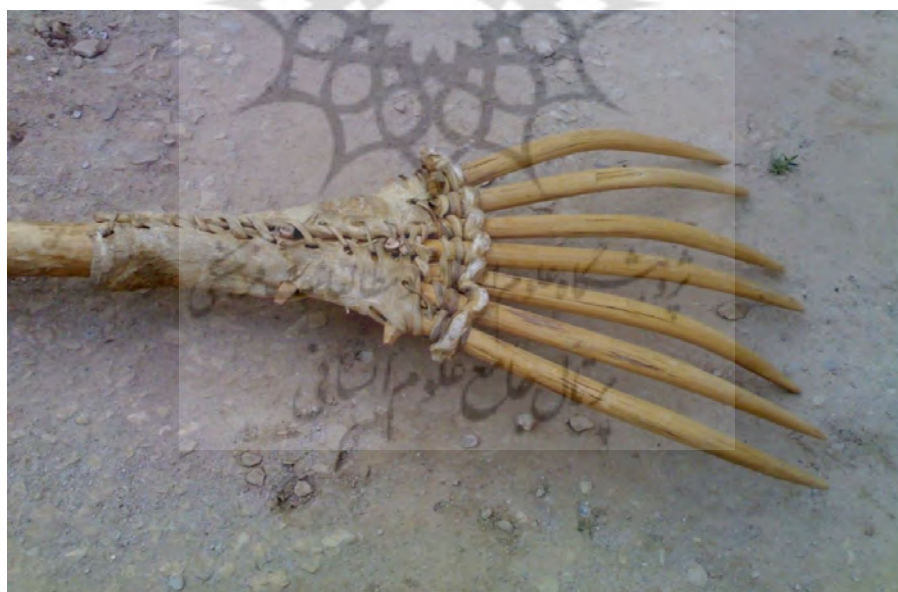
پس از اتمام خرمن کوبی، کشاورزان در هنگامی که باد به آرامی می‌وزد، (که در اصطلاح محلی به آن شَمال^۲ می‌گویند) وسیله‌ای به نام شَن (تصویر شماره ۱۵) (که از جنس چوب ساخته شده و معمولاً هفت دندان دارد) را آورده و شروع به انجام کار می‌کنند. بدین صورت که شَن در دست قرار گرفته و دندانه‌های آن را در خرمن کوبیده شده فرو کرده و آن را به سمت بالا کشیده و به هوا پرتاب می‌کنند. با وزش باد، دانه‌هایی که سنگین هستند سر جای خود پایین آمده و دوباره به خرمن می‌افتند و کاه آن که سبک است به همراه باد، حرکت کرده و چند متر جلوتر بر زمین می‌نشیند این کار آن قدر تکرار می‌شود که تقریباً تمام کاه از دانه جدا شود. معمولاً حدود ۱۰ متر جلوتر از مسیر باد، به وسیله شاخ و برگ درختان یک مانع درست می‌کنند تا در هنگامی که باد تندتر از حد معمول می‌وزد، کاهی را که از دانه‌ها جدا می‌شود، به وسیله آن مانع مهار شده و باد، آن را پخش نکرده و به هدر ندهد و در این صورت کشاورزان کاه بیشتری را برداشت نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. shan
2. Samal



تصویر ۱۴- همیاری در جدا کردن گاه از دانه، تابستان ۱۳۹۸، عکاس: محققان



تصویر ۱۵- یک شَن (وسیله‌ای برای جدا کردن گاه از دانه)، تابستان ۱۳۹۸، عکاس: محققان

همیاری در غربال کردن دانه‌ها (سِرَن^۱ و ویژنگ^۲):

در این نوع همیاری نیز از نیروی کاری معادل شن استفاده می‌شود. «سِرَن» وسیله‌ای است شبیه به غربال (اَلْک)، تور آن از جنس چرم است و سوراخ‌های آن به اندازه‌ای بزرگ است که دانه‌ها به راحتی از آن عبور می‌کنند. (بعد از شن کردن نوبت به سِرَن کردن می‌رسد) سِرَن کردن به این صورت است که یک نفر سِرَن را در دست گرفته و یک نفر نیز کم‌کم دانه‌ها را در آن می‌ریزد. شخصی که سِرَن را در دست دارد آن قدر آن را به چپ و راست تکان می‌دهد و دانه‌ها را غربال می‌کند که دانه‌ها از آن عبور کرده و اضافاتی را که در خرمن وجود داشته در داخل سِرَن باقی می‌مانند، این اضافات را در اصطلاح محلی «کوزَر»^۳ می‌نامند که جهت خوراک دام مورد استفاده قرار می‌گیرد. (کوزَر همان خوشه‌ها و ساقه‌های علف هستند که به هنگام خرمن کوبی به خوبی خرد نشده‌اند) کوزَر را در گوشه‌ای می‌ریزند تا با دانه‌های پاک شده قاطی نشود.

«ویژنگ» وسیله‌ای است شبیه سِرَن ولی با سوراخ‌های کوچک‌تر که دانه‌های گندم و جو از آن عبور نمی‌کنند و فقط دانه‌های ریز و اضافه در داخل آن از سوراخ‌ها عبور می‌کنند. پس از اتمام سِرَن کردن نوبت به ویژنگ کردن می‌رسد. ویژنگ کردن بدین صورت انجام می‌شود که در هنگام غربال کردن، دانه‌های ریز از آن می‌افتند و دانه‌های خالص گندم و جو در داخل ویژنگ باقی مانده و پس از این کار دانه‌های خالص را بر روی زیرانداز می‌ریزند. این دانه‌های خالص و کاملاً پاک شده را در اصطلاح محلی «ماسیه»^۴ می‌گویند. این نوع همیاری نیز همچون سِرَن کردن، به همیاری تعداد اندکی از افراد (حدود ۲ تا ۴ نفر) نیاز دارد.

-
1. seran
 2. vezan
 3. kozar
 4. masiyeh

همیاری در جمع‌آوری محصول پاک‌شده (کاه و دانه) یا خرم‌ان الگرتن^۱:

پس از پاک کردن دانه‌ها (به‌وسیله سِرَن و ویژنگک)، نوبت به مرحله برداشت محصول «خرمان الگرتن» می‌رسد. در این نوع از همیاری افراد به‌نوبت شروع به برداشت محصول خود و ریختن دانه‌ها در گونی می‌کنند. این کار با همیاری عده‌ای از افراد و با یک سری آداب و رسوم خاص انجام می‌گیرد. پس‌ازاینکه کاه و دانه از هم جدا شد و «ماسیه» آماده شد کشاورزان ایل برای پیمانه کردن و برداشت محصولات مراسم خاصی را انجام می‌دهند. در بعضی از مناطق کردنشین و از جمله در بین مردمان ایل ارکوازی (از ایلات استان ایلام) اعتقاد به یک خدای کشاورزی وجود دارد به نام «حسن گایار»^۲ که در هنگام برداشت محصول کشاورزان به او متوسل می‌شوند و معتقدند که با متوسل شدن به «حسن گایار» خرمن آنها پُر برکت می‌شود. لذا کشاورزان قبل از پیمانه کردن «ماسیه» یک نان محلی به نام «گرده» درست می‌کنند آن را به همراه روغن حیوانی برای حسن گایار فاتحه می‌دهند، قسمتی از نان گرده را به روغن حیوانی مالیده و آن را بر سر چوبی قرار داده و در ماسیه فرومی‌برند. آن‌ها اعتقاد دارند با این کار، ماسیه برکت پیدا می‌کند و به عبارتی محصول چرب می‌شود و باعث ازدیاد محصول می‌شود. قبل از برداشت «ماسیه» تمام کسانی که در اطراف آن حضور دارند باید سیر شوند، حتی حیوانات، زیرا کشاورزان ایل بر این اعتقادند که اگر در هنگام برداشت «ماسیه» چشم گرسنه‌ای به آن بخورد از برکت آن کم شده و مقدار محصول کاهش می‌یابد. همچنین در این زمان کسی نمی‌خندد، همگی سعی می‌کنند به آهستگی حرف بزنند و نه با صدای بلند. حرف زشت از دهان کسی بیرون نمی‌آید. صحبت کردن آنها معمولاً با بر زبان آوردن نام خدا، نام امامان معصوم و صلوات همراه است. در این هنگامه کسی لطیفه و یا جوک تعریف نمی‌کنند و کلاً کم حرف می‌زنند. هیچ‌کسی در سمت قبله، در پشت «ماسیه» قرار نمی‌گرفت. قبل از پیمانه کردن «ماسیه»، سنگ بزرگی را در پشت خرمن قرار می‌دهند.

-
1. Kharman Algerten
 2. Hasan gayar

این کار به این دلیل صورت می‌گرفت که آنها اعتقاد داشتند در هنگام پیمان‌کردن، آن ماسیه عقب‌نشینی نکند و پشت محصول پر باشد. در این هنگام جهت برداشت ماسیه به هرکسی اجازه این کار را نمی‌دادند. کسی که آن را پیمان‌داده و آن را در هور یا گونی می‌ریزد (تصویر شماره ۱۶)، باید بدنش پاک و با وضو باشد، با پای برهنه باشد و کاملاً با احترام خاصی در کنار ماسیه قرار گیرد. قبل از پیمان‌کردن، روی ماسیه را صاف می‌کنند و با چوب یا انگشت نام‌الله، محمد و علی را روی آن می‌نویسند تا ماسیه برکت پیدا کند. اشخاصی که ماسیه را پیمان‌داده می‌کنند در هنگام شمارش، عدد ۱۳ را به خاطر نحس بودنش، بر زبان نمی‌آورند و به جای عدد ۱۳ می‌گویند، زیاده و یا دوباره عدد دوازده را تکرار می‌کنند. همچنین هنگام رسیدن به عدد ۲۰ می‌گویند لعنت بر ابلیس، زیرا در زبان کردی به بیست، می‌گویند بیس، که تا حدودی آن را شبیه کلمه ابلیس می‌دانند. به‌طور کلی، این مراسم از تقدس خاصی برخوردار است. در این هنگام اگر کسی از کنار آنها رد شود، به آنها می‌گوید: خدا قوت، خرمان زیای (خرمن زیاد)، آن‌ها نیز از او تشکر می‌کنند.



تصویر ۱۶- یک کشاورز در حال جمع‌کردن محصول، تابستان ۱۳۹۸، عکاس: محققان

از دیگر سنت‌های پسندیده‌ای که هم همیاری مردم را می‌رساند و هم بیانگر اعتقادات مذهبی آنان بود، ذکر نام مبارک ائمه و پیامبران «علیهم‌السلام» و برخی موارد اعتقادی مردم منطقه به هنگام پیمانان کردن گندم و جو بود. هنگام برداشت گندم و جو با هر عدد، جملاتی بیان می‌شود که نشان از اعتقادات مذهبی مردم منطقه است و از عهده هر کسی برنمی‌آید و شخصی بزرگ و مؤمن، برای چنین کاری انتخاب می‌شود.

مثلاً: یک (۱)، خدا یه که گه و دو نیه (توحید) خدا راسه و درو نیه (خدا یکی است و دو تا نیست، خدا راست و دروغ نیست).

دو (۲) درگه (گوهری است) ده گوش قنبر، قنبر غلام حیدر (امامت). (گوهری در گوش قنبر)

سه (۳). سیرگه (سری است) ده سینه محمد (در سینه حضرت محمد (ص))، دل بی کینه محمد (نبوت)

چهار.. (چوار) (۴) یار نی، حسن و حسین و فاطمه و علی (آل کساء.. اهل بیت)

پنج (۵)، پنجه زرین مولا، یاد مولا، عشق مولا (حب علی)

شش (۶)، اسم دوازده امام خواهش (خوش)

هفت (۷)، برکتی دی کَوَ کَفْت حسن گایار^۱ ده نام خَفْت. (برکت از این کوه (خرمن ایجاد شده از درو گندم‌ها) افتاده روی زمین چرا که حسن گایار، لابه‌لای این گندم درو شده به جهت برکت خوانیده).

هشت (۸)، نور الهی دی کَوَ گِیشت. نور الهی در تمام این کوه (خرمن ایجاد شده از درو گندم‌ها).

۱- حسن گایار استحاله شده همان خدای زراعت در باور گذشتگان است؛ خدایی که در باور آنها صاحب زمین و خرمن و برکت بوده است و پس از هر بخششی شکرش نیز واجب. در کلام مردم مناطق ما هنگام متوسل شدن به حسن گایار نوعی شکر و سپاسگزاری دیده می‌شود؛ کشاورز هنگام بذرافشانی مشتش را پر از گندم می‌کند و به حسن گایار تقدیم می‌نماید و می‌گوید: حسن گایار! سر بیار او دیار. و بعد مشتت گندم را برای پرندگان بر زمین می‌ریزد.

نُه (۹)، نوح نبی (ع)، دِی بوی، کم نَوی، شادی بُوی، خَم نوی. (به اندازه عمر حضرت نوح (ع) از آن بهره‌مند شوید و از آن چیزی کم و خم نشود).
دَه، نه چال بگریگت و نه کیوه. در گذشته نوعی همیاری دیگر در امر کشاورزی بود که نامش چالگه (چاله) بود. این موضوع هم بدون همیاری دیگران انجام نمی‌شد. چند نفر از هر قوم با همراهی هم در مناطق دور دست که دسترسی مشکل بود و حمل بار (گندم و جو) سخت بود. چاله‌ای حفر می‌کردند و مقداری از گندم و جو را در آن می‌ریختند و با وسایلی می‌پوشاندند تا راه نفوذ آب بسته شود. این چاله‌ها در جایی مناسب کنده می‌شد و حتی برای نگهداری این چاله‌ها، شخصی (چالوان) نگهبان چاله‌ها استخدام می‌شد.
یازده (۱۱)، وه نام خدا و دین محمد (ص). (به نام خدا و دین حضرت محمد (ص) زیادی (۱۱) و برکت در آن افتد).
دوازده (۱۲)، اسم دوازده امامه. (شماره ۱۲ امام (علیهم‌السلام) است که بسیار پر برکت است).

سیزده (۱۳)، به عدد سیزده که می‌رسیدند، آن را، زیاده، می‌گفتند چون معتقد بودند که سیزده نحس است و زیاده می‌گفتند تا زیاد شود.

نتیجه‌گیری

شیوه‌های همیاری و تعاون از دیرباز در جوامع روستایی و عشایری ایران متداول بوده و به‌رغم تغییر و تحولاتی که در طول سالیان دراز در جوامع روستایی به وقوع پیوسته، هنوز هم صورت‌های گوناگون تعاون و همیاری در بین بسیاری از اقوام و ایلات به چشم می‌خورد. بسیاری از شیوه‌های همیاری در بین مردمانی به چشم می‌خورد که معیشت آنها بر اساس کشاورزی یا دامداری و یا تلفیقی از این‌ها باشد. با توجه به طاقت‌فرسا بودن کار کشاورزی و دامداری، ایجاب می‌نماید که افراد به تعاون و همیاری با یکدیگر بپردازند. مردم استان ایلام که از گذشته‌های دور سابقه کشاورزی و دامداری داشته‌اند، نوع

معیشت‌شان ایجاد کرده است که در موارد گوناگون نیازمند همیاری و همکاری با یکدیگر باشند. مهم‌ترین نتایج یافته‌ها از این پژوهش عبارت‌اند از:

سبک زندگی و مجموعه آداب‌ورسوم یک منطقه در ارتباط با محیط آن منطقه نیازمند انجام یک سری از کارهای گروهی می‌باشد. به‌طوری‌که افراد با ایجاد برقراری روابط مناسب با هم‌نوعان خود، در قالب گروه‌ها و جماعت‌های کوچک به همکاری و همیاری یکدیگر پرداخته‌اند. این کار در طی سالیان متمادی به‌صورت جزئی از فرهنگ انسان‌ها درآمده و در قالب آداب‌ورسوم و سنت‌های پذیرفته‌شده، در مناطق مختلف به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال در مراسم گل‌درو پختن غذاهای مشخص و مهمانی از افرادی که به یاریگری آمده‌اند تبدیل به فرهنگی خاص شده و در ایام مرتبط با این رسوم، افراد منتظر دعوت نبوده و خود به ارتباط‌گیری با صاحبان زمین پرداخته و شاید بتوان گفت برای دوره‌می و یاری رساندن به هم لحظه‌شماری می‌کنند.

از دیدگاه کارکردگرایی، شیوه‌های همیاری زمانی در جوامعی گسترش می‌یابد که در بقا و تعادل اجتماعی تأثیرگذار باشد. علت اینکه مردم در مراسم عروسی و عزاداری به‌صورت داوطلبانه شرکت می‌کنند و حتی به‌ویژه در جوامع سنتی در تأمین نیازهای مالی مراسم‌های مذکور، مشارکت و همیاری می‌نمایند، این است که مشارکت و همیاری در این مراسم‌های باعث یک نوع انسجام و همبستگی در بین آنها می‌شود. به‌عنوان مثال در برداشت محصول، ابزارهای کشاورزی که بسیار برای یک کشاورز اهمیت داشته و همچون جان خویشتن از آنها مراقبت می‌کند، دائماً در حال تبادل بین افراد بوده و به‌صورت امانت در اختیار آنان گذاشته می‌شود تا هم در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود و هم انسجام اجتماعی بین افراد را به نحو چشم‌گیری ارتقاء دهد.

روستاییانی که به‌صورت داوطلبانه، همیاری‌هایی را به وجود می‌آورند، به این دلیل است که در تأمین نیازهای روستاییان و حفظ آن اثرگذار بوده‌اند و بدون وجود آنها و اقدامات جمعی، نظام اجتماعی با مشکل مواجه می‌شد. به‌عنوان مثال چنانچه برای برداشت محصول مانند گندم یا جو اگر کشاورز بخواهد از نیروی کار بیرون استفاده نماید، هزینه‌ها

بسیار سرسام‌آور خواهد بود ولی با مشارکت و همیاری اهالی روستا، همیاری‌ها به شکل بده بستان بوده و افراد مشارکت‌کننده در مراسم امروز، فردا در مراسم یکی دیگر از اهالی حاضر خواهند شد.

در روستاهای ایلام نیز گونه‌های مختلفی از همیاری وجود دارد که در بقا و تعادل اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. در بررسی‌های میدانی به‌طور متوسط حدود ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان به این مهم صحنه گذاشته و نقش همیاری‌های موجود را در تعادل اجتماعی کاملاً تأیید نمودند. بعضی از آنها طی آداب و رسوم خاصی صورت می‌گیرند و طی آن افراد به همدیگر یاری می‌رسانند. عمده این همیاری‌ها که در این پژوهش به آنها پرداخته شد در چند مرحله خاص طبقه‌بندی می‌شوند. از آن جمله، پیش از آغاز فصل زراعی، روستاییان با گرد هم آمدن و انجام مناسباتی که جنبه قرعه‌کشی دارد، اقدام به «زمین به‌ش» که همان تقسیم اراضی قابل کشت و مراتع قابل بهره‌برداری با استفاده از «تیر پشک» که همان قرعه‌کشی می‌باشد می‌نمایند این کار بر اساس تعداد بنکوه‌های موجود در هر روستا و نیز تعداد خانوارهایی که بنکو دارد، انجام می‌شود.

در مرحله کاشت نیز با توجه به اهمیت شخم زدن و سختی این کار، از روش‌های همیاری همچون «گله‌جفت» که همان شخم گروهی است بهره می‌گیرند. در مرحله داشت محصولات کشاورزی برای محصولاتی که نیاز به وجین دارند، مانند عدس و نخود، گهگاه وجین به‌صورت گروهی بوده و به آن «گله وژین» می‌گویند. همچنین با توجه به مخاطراتی که از سوی حیوانات وحشی از جمله گراز (وراز) و جوجه‌تیغی (چولیه) برای محصول زراعی پیش می‌آید از کارهای گروهی مانند فراری دادن گرازها (وراز راو) و نیز فراری دادن و شکار جوجه‌تیغی (چولیه راو) استفاده می‌شود. در مرحله برداشت محصول با توجه به اهمیتی که تسریع در این مرحله برای جلوگیری از ریزش آن و نیز خراب شدن آن توسط پرندگان، سایر حیوانات وحشی و یا عوامل جوی همچون باد و باران دارد از فعالیت‌های جمعی مانند درو گروهی (گله درو) و برای جمع کردن محصول در جای

مشخص (خرمانجی) از حمل گروهی محصول (گله کیشه) و برای جدا کردن دانه از کاه و کلش و تمیز کردن آن از خرمن کوبی گروهی (گله هول) استفاده می‌شود.

طبق نظریه مبادله فعالیت‌های همیاری در نواحی روستایی ایلام و خصوصاً روستای جعفرآباد (مانند درو کردن، برداشت محصول، کریس‌بندی، هول کردن، خرمن کوبی و...) بر اساس بده بستان بوده که افراد در این همیاری‌ها دست به مبادله می‌زنند و به گونه‌ای نیروی کار و خدمات خود را با هم مبادله می‌کنند. به طوری که هرکسی وظیفه دارد در مقابل مقدار کار و خدماتی را که برای او صورت گرفته است متقابلاً کار و خدماتی را برای طرف مقابل خود انجام دهد. لذا هر فرد علاوه بر فعالیت‌های زراعی سه‌گانه خود (کاشت، داشت و برداشت)، در فعالیت‌های زراعی دیگر اهالی نیز شرکت می‌کند و این کار در اصطلاح محلی «کلمه وه کلمه» نام دارد.

همیاری باعث تقویت حس اعتماد متقابل شده و طی آن کدورت‌ها و دشمنی‌ها جای خود را به دوستی و صمیمیت می‌دهند. اکثر همیاری‌ها در مورد کارهایی صورت می‌گیرند که نتوان آنها را به صورت انفرادی و یا با تعداد اندکی از افراد انجام داد و یا اینکه اگر با تعداد اندکی از افراد انجام گیرد، کیفیت کار پایین بیاید. از جمله عوامل دیگری که در همیاری می‌تواند مدنظر قرار گیرد توجه به نوع و تعداد افراد گروه می‌باشد به طوری که هر چه گروه کوچک‌تر باشد همبستگی بیشتر و هر چه گروه بزرگ‌تر باشد همبستگی کمتر خواهد بود. نقش سن و جنسیت در همیاری نیز دارای اهمیت خاصی است به طوری که، کارهای سخت و کارهایی را که توان جسمی بالاتری را می‌طلبد توسط مردان جوان و کارهایی که نیروی بدنی کمتری نیاز دارد توسط مسن‌ترها و یا کودکان و زنان انجام می‌شود.

با توجه به اینکه تمامی اعضای روستاهای ایلام مسلمان و شیعه ۱۲ امامی هستند، لذا با توجه به آیات و احادیث مختلفی که مسلمانان را به همکاری و تعاون با یکدیگر سفارش کرده‌اند. مردم ایل نیز در موارد بسیاری با افراد نیازمند همکاری و همیاری نموده و در مرتفع ساختن مشکلاتشان، آن‌ها را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. در کلیه همیاری‌ها

تقسیم کار وجود دارد. به طوری که هر کسی قسمتی از کار را برعهده گرفته و انجام می‌دهد. کسانی که به صورت گروهی مبادرت به انجام کاری می‌کنند با دیگران در ارتباط هستند و با هم به گفتمان می‌پردازند. این کار راه را برای پدیدار شدن سرمایه‌های فکری هموار می‌سازد، چرا که در جریان همیاری، بین افراد تبادل اطلاعات صورت می‌گیرد.

همیاری‌ها می‌توانند فراوانی نیروی کار را به دنبال داشته باشند، زیرا در جریان آنها افراد هم موردحمایت قرار می‌گیرند و هم دیگران را موردحمایت خود قرار می‌دهند. استفاده از کودکان در همیاری‌ها به نوعی به اجتماعی کردن و مسئولیت‌پذیر ساختن آنها می‌انجامد. بدین صورت که آنها در جریان همیاری‌ها یک سری از کارها را یاد گرفته و به عنوان یک کلاس آموزشی در همیاری‌ها شرکت می‌کنند. در حال حاضر نیز برخی از تعاونی‌ها بر اساس همین گونه از همیاری‌ها در خانه‌ها و با مشارکت افراد یک خانواده و یا اقوام نزدیک در روستا، تشکیل شده و به عنوان مثال در زمینه محصولات کشاورزی و پخت نان محلی و ... فعالیت دارند.

۹- بسیاری از اصطلاحات محلی که در مورد همیاری‌ها به کار برده می‌شود در حال فراموشی هستند و جای خود را به کلمات فارسی داده‌اند. لذا نوشتن و مکتوب ساختن آنها تنها راهی است جهت عدم فراموشی این اصطلاحات. با توجه به اینکه جامعه ایران جامعه‌ای است که به سوی صنعتی شدن پیش می‌رود و با توجه به اینکه در جریان صنعتی شدن، سنت‌ها رو به ضعف می‌گذارند، اما هنوز هم یک سری از همیاری‌ها و کارهای گروهی مانند (درو کردن برای خانواده‌هایی که فرزند ذکور نداشته و یا پسران به شهر مراجعه کرده‌اند، بذرافشانی، پشم‌چینی و شیردوشی و ...) شکل سنتی خود را حفظ کرده‌اند، هرچند باید اذعان کرد که تغییراتی در آنها رخ داده و این تغییرات در آینده با شدت بیشتری صورت می‌پذیرند. در حال حاضر همیاری‌ها فقط توسط عده خاصی از مردم (کشاورزان و دامداران) انجام می‌شود و به مانند گذشته توسط عامه مردم صورت نمی‌گیرد.

همیاری‌های سنتی در کشاورزی ایلام...، رشیدوش و یوسفی‌نژاد | ۲۹۳

۱۰- سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند نسبت به فعال نمودن بخش مردم‌شناسی این معاونت اقدام و نسبت به ثبت و ضبط این نوع همیاری‌ها که فواید چشمگیر برای جامعه داشته و حتی می‌تواند نسبت به جذب گردشگران خارجی جهت بازدید از این نوع مشارکت‌های گروهی ایفای نقش نماید، تا بدین ترتیب با این روش برای حفظ و پایداری این مناسک گام مهمی برداشته باشد.



منابع

- بیتس، دانیل و پلاگ، فرد. (۱۳۸۵)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- چایلد، گوردون. (۱۳۵۲)، *انسان خود را می‌سازد*، ترجمه: اسد پور پیرانفر، تهران: انتشارات پیام.
- رجبی، محمود؛ کافی، مجید و داوری، محمد. (۱۳۸۲)، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*، تهران: انتشارات سمت.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۱)، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران: انتشارات عطار، چاپ ششم.
- رویور، کلود. (۱۳۷۹)، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- طیبی، حشمت‌الله. (۱۳۸۰)، *مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، انتشارات دانشگاه تهران.
- فرخ‌نیا، رحیم. (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۵)، *فرهنگ یاری‌گری در ایران*، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۸۶)، *شاخه زرین*، ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- لطفی، احمد. (۱۳۸۰)، *شیوه‌های همیاری در غرب ایران*، ایلام: انتشارات برگ آذین.
- مالدینوفسکی، برانیسلاو. (۱۳۸۳)، *نظریه علمی فرهنگ*، ترجمه: منوچهر فرومند، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- محمدزاده، امید. (۱۳۹۷)، *فرهنگ یاری‌گری در ایلات استان ایلام*، ایلام: انتشارات برگ آذین.
- وریج‌کاظمی، عباس. (۱۳۸۰)، *جزوه نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲)*، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- هانری فاوور، شارل. (۱۳۸۶)، *انسان‌شناسی: خاستگاه‌ها، مفاهیم، آثار و اندیشمندان*، ترجمه: علیرضا خدای، تهران: انتشارات فصل نو.

جدول ۱- اسامی مصاحبه‌شوندگان

| نام و نام خانوادگی | سن | تحصیلات | توضیحات |
|----------------------|----|----------------|-------------|
| ۱ مرتضی محمد زاده | ۶۴ | ابتدایی | فوت شده |
| ۲ غلامرضا محمد زاده | ۶۲ | خواندن و نوشتن | در قید حیات |
| ۳ علی اصغر محمد زاده | ۵۵ | ابتدایی | در قید حیات |
| ۴ محمد محمد زاده | ۶۰ | خواندن و نوشتن | در قید حیات |
| ۵ میرزا محمد زاده | ۵۹ | بی سواد | در قید حیات |
| ۶ نورالله مرادی | ۵۵ | خواندن و نوشتن | در قید حیات |
| ۷ عباداله یوسفی نژاد | ۶۳ | خواندن و نوشتن | فوت شده |
| ۸ یداله یوسفی | ۸۸ | خواندن و نوشتن | در قید حیات |
| ۹ حجت یوسفی | ۴۷ | ارشد | در قید حیات |
| ۱۰ عبدالولی قبادی | ۶۵ | بی سواد | فوت شده |
| ۱۱ عباس شفیعی | ۵۸ | راهنمایی | در قید حیات |
| ۱۲ یدالله همتی | ۶۵ | بی سواد | در قید حیات |
| ۱۳ خیرالله کمالوندی | ۵۵ | دیپلم | در قید حیات |
| ۱۴ شمس اله کمالوندی | ۷۲ | دیپلم | در قید حیات |
| ۱۵ صحبت سلطانی | ۷۲ | بی سواد | فوت شده |
| ۱۶ جواد رضایی | ۵۱ | لیسانس | در قید حیات |
| ۱۷ احمد مظفری | ۶۰ | راهنمایی | در قید حیات |
| ۱۸ صفر عبدالحسینی | ۵۸ | راهنمایی | در قید حیات |
| ۱۹ حیدر حیدری | ۵۰ | دیپلم | در قید حیات |
| ۲۰ رشیدبگ حیدری | ۶۴ | خواندن و نوشتن | در قید حیات |
| ۲۱ علیمحمد قیطاسی | ۶۶ | بی سواد | در قید حیات |

استناد به این مقاله: رشیدوش، وحید و یوسفی نژاد، حسن. (۱۴۰۰). همیاری‌های سنتی در کشاورزی ایلام- مورد مطالعه روستای جعفرآباد. دو فصلنامه دانش های بومی ایران، ۸(۱۶)، ۲۴۷-۲۹۵.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.